

ذره بین

کدایی با لباس زنانه

مرد جوانی که در پوشش زنانه اقدام به تكدی گری می کرد، دستگیر شد. یکی از آسیب‌های جدی که اجتماع را تهدیدمی کند، گسترش روزافزون تكدی گری است و متكدیان به روش‌های گوناگون بخش اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند.

تكدی گری پدیده‌ای جهانی و هشداردهنده است. تقریباً هیچ شهر و کشوری در دنیا نیست که متكدی نداشته باشد. همه ما هر روز در معابر و خیابان‌ها شاهد حضور افرادی هستیم که با ظاهری زولیده و غبار آلود به تكدی گری مشغولند و سماجت آنها در تحریک احساسات ما، آن قدر آزاردهنده است که مظلومیتشان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همین عوامل باعث شده افرادی با سوءاستفاده از احساسات مردم اقدام به استفاده از پوشش‌های مختلف به منظور درآمدزایی بیشتر کنند. هوشیاری ماموران کلاتری ۲۲ آبادانی مسکن باعث شد مرد جوانی که با استفاده از پوشش چادر و لباس زنانه در مناطق شلوغ تكدی گری می‌کرد، دستگیر شود. فرمانده انتظامی شهرستان با اعلام این خبر گفت: تكدی گری را می‌توان در عوامل اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی و... خانواده‌ها جست‌وجو کرد، زیرا کم‌رنگ شدن فرهنگ مذهبی و ملی و ست شدن بنیان ارزش‌های اخلاقی، اعتقادی در جامعه و عدم فرهنگ‌سازی در زمینه شیوه‌های برخورد مردم با متكدیان زمینه‌ساز این عوامل است

مکت

کشف دو کتیبه تاریخی از قاچاقچیان

فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی از کشف و ضبط ۶۶ قلم شیء خبر داد که ۵۰ شیء آن مورد تأیید کارشناس میراث فرهنگی قرار گرفته است.
وقتی پلیس در جریان فعالیت‌های باندی تحت پوشش کمپ ترک اعتیاد قرار گرفت که اقدام به خرید و فروش اشیای عتیقه می‌کردند، پایگاه یگان حفاظت میراث فرهنگی رباط کریم با هماهنگی پلیس امنیت شهرستان رباط کریم، موفق شدند داخل این باند نفوذ و اشیای عتیقه را کشف و ضبط کنند. این اشیاء شامل سسکه، دو کتیبه و همچنین ظروف سفالی و مهرهای سنگی بود که اصالت ۵۰ شیء، مورد تأیید کارشناس میراث فرهنگی قرار گرفته است. فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی با اعلام این خبر گفت: ۴۴ سسکه کشف شده مربوط به دوره ساسانی و قبل از آن است. چهار مهر، سه طرف سنگی و سفالی نیز اصالت‌شان مورد تأیید قرار گرفته است. در این عملیات سه نفر دستگیر و به مقام قضایی معرفی شدند و بعد از آن که پرونده مختومه شود، این اشیاء به موزه تحویل داده خواهند شد.

در گیری مسلحانه پلیس با سوداگران مرگ

درگیری مسلحانه پلیس با سوداگران مرگ، به کشف ۲۶۰ کیلوگرم تریاک در سیستان و بلوچستان منجر شد. ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر در سیستان و بلوچستان در راستای مقابله با سوداگران مرگ، در جریان فعالیت‌های قاچاقچیان مسلحی قرار گرفتند که با استفاده از خودروهای تیزرو و سبک قصد وارد کردن مواد مخدر از مرز پاکستان به سراوان را داشتند.

پس از هفته‌ها اقدامات گسترده تخصصی و پایش اطلاعاتی، شامگاه سه‌شنبه ماموران در محورهای فرعی سراوان موفق به شناسایی دو خودروی تیزروا و یک پژوه ۴۰۵ متعلق به قاچاقچیان شدند.

ماموران به‌طور نامحسوس خودروها را تحت نظر قرار داده و سپس دست‌ور ایست دادند ولی سوداگران مرگ به محض مشاهده پلیس بدون توجه به دست‌ور ایست و با تیراندازی به سوی ماموران از محل متواری شدند. بعد از مدتی تعقیب و گریز و درگیری مسلحانه با توجه به تنگ شدن عرصه، سوداگران با جای گذاشتن خودروها و با استفاده از تاریکی و کوهستانی بودن منطقه متواری شدند که البته یکی از آنها دستگیر شد.

ماموران در بازرسی دقیق از خودروهای توقیف شده یک تن و ۷۶۰ کیلو تریاک کشف کردند. پلیس در ادامه این عملیات بار دزنی دقیق و حضور ماموران انتظامی سراوان و سوران توانست یک خودروی تویوتا متعلق به این باند را نیز شناسایی و در بازرسی دقیق از آن مقدار ۷۰۲ کیلو تریاک را کشف کند. ماموران انتظامی ایرانشهر نیز پس از شناسایی سوداگران مرگ که در حال جابه‌جایی مواد با استفاده از یک خودروی تویوتا در منطقه مپور بوده‌اند، با قاچاقچیان مسلح درگیر شدند و ضمن دستگیری یک قاچاقچی، تویوتا را که حاصل ۱۵ کیلو حشیش بود، توقیف کردند.



«شهر وند» انگیزه قتل‌های خانوادگی در بالا و پایین پایتخت را بررسی می‌کند

شمال و جنوب جنایت‌های خانوادگی

پهنای مقدسی - سیما فراهانی | قتل‌های خانوادگی که با انگیزه‌های مالی، مشکلات روانی، خیانت و مواد مخدر جنایت‌های ساخته دست بشر را رقم می‌زند، این روزها به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.
باین حال قاتلان همه این پرونده‌های جنایی در حالی با به دنیای جنایتکاران می‌گذارند که کیفیت و نوع جرم‌شان با یکدیگر متفاوت است.
بامداد شنبه‌ی بهاری وقتی خیابان‌ها و بزرگراه‌ها کم‌ترددتر شد برای مرور خاطرات جنایت‌هایی که در بالا و پایین پایتخت، ذخمر را درگیر خودش کرده بود و راز گشایی از پرونده‌های جنایی شهر راهی شدم. پشت به پشت خیابان‌های شهر از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق ربه‌ای جنایت‌هایی است که هر ساله پرونده‌هایی را به خود اختصاص داده پرونده‌هایی که با چشم باید دید و با قلم نوشت. حال نام خیابان‌ها و کومه‌ها با قتل‌هایی که در آنها رخ داد، در ذهنم حک شده است. همراه من باشید تا در این بررسی، میهمان خنده‌هایی شویم که میزبان جنایت‌های خنگی بودند.

بررسی پرونده‌های جنایی در مناطق فقیرنشین

نشانی آنها در خوش آب و هوایترین مناطق شهر است. در امتداد شمالی‌ترین بزرگراه‌های تهران آن‌جا که خانه‌ها و برج‌های سر به فلک کشیده بانماهای شیک و مجل‌مرز بین خانه‌های جنوبی پایتخت را مشخص می‌کند، گاهی انگیزه‌هایی مرموز جنایت‌های هولناکی رقم می‌خورد. پشت دیوار خانه‌های مجلل که بانماهای سنگی و آجرهای ابتدایی‌شان به‌شانه‌ها ساخته شده‌اند، حکایت زندگی و خشم، مرگ و جنایت، حکایت دیگری است. با این حال وقتی فرهنگ جامعه با پول مستحیبه شود دور از ذهن نیست که ساکنان برخی از این خانه‌ها، مرفهان بی‌ درد خطاب شوند اما نگاهی آزاری به پرونده‌های جنایی در این مناطق روایت دیگری را از زندگی در خانه‌های جنایت پایتخت دارد. بررسی پرونده‌هایی که قربانیانش سبیل نگاه آسیب‌شناسانه قتل و جنایت قرار گرفته‌اند تنها نشان می‌دهد که انگیزه‌های جنایی در محله‌های بالای شهر نسبت به مناطق فقیرنشین متفاوت است.

سال ۸۸ هم که مردی تحصیل‌کرده در دانشگاه‌های آمریکا و قاضی برای تقسیم سهم‌ارثه پدری‌اش دچار اختلاف باعضای خانواده شد، دست به کشتار دسته‌جمعی زد. این حادثه که در خیابان مقدس‌اردبیلی منطقه فرغانه تهران رخ داد، یکی از جنایت‌های خانوادگی عجیب‌در پرونده‌های مشابه است. در این حادثه پسر خانواده به دلیل این که تصور می‌کرد مادر و خواهرانش قصد دارند از ثیه او را نادیده بگیرند، تصمیم گرفت تا حقیق‌ر انتقام‌جویانه پس بگیرد؛ اما هم با کشتار دسته‌جمعی‌ای همین منظور اسلحه‌خرد و وقتی همه اعضای خانواده وکیل خانوادگی‌شان به همراه قاضی شورای حل اختلاف دور هم جمع بودند، نقشه‌اش را اجرایی کرد. گلاش‌ها را بیرون کشید و با شلیک ۱۷ گلوله به سمت افراد خانواده خود و وکیل خانواده و نماینده شورای حل اختلاف ۵ نفر را به قتل رساند. این جنایت هولناک در حالی رقم خورد که متهم سه قتل برخلاف نظر به‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی جرم نه جوان، نه فقیر، نه بی‌سواد و نه سابقه‌دار بود. او میانسال و تحصیل‌کرده دانشگاهی در آمریکا و بسیار متمول اما هیچ‌کدام از این عوامل باردارنده خداد چنین جنایتی نبود.

۱۸ آذرماه سال گذشته هم قتل‌عام خانوادگی در خیابان پاسداران جنایتی هولناک را رقم زد. مردی تحصیل‌کرده و مرفه با انگیزه‌ای مرموز یک شب به یک جانی تبدیل شد. نامه‌ای چند جمله‌ای در نداشتن احساس خوشبختی در خانواده‌اش بر جای گذاشت و با اسلحه دست به کشتار همسر و تنها دخترش زد. این مرد بعد از کشتن اعضای خانواده‌اش با شلیک گلوله به زندگی خودش هم پایان داد. هر چند با مرگ عامل جنایت در این جنایت‌رزی مرموز از زندگی یک خانواده کم‌جمعیت و مرفه برای همیشه سر به می‌ماند اما نگاه آسیب‌شناسی به این حادثه مرم‌گبار نشان می‌دهد، رفاه تنها در سرمایه‌ی پول و قدرت مالی خلاصه نمی‌شود. رفاه در سلامت جسم و روان، همراه با محیط زندگی و فرهنگ تربیتی معنا پیدا خواهد کرد. وقتی در روابط سست خانوادگی، پول تعیین‌کننده باشد اعتماد و صداقت‌رنگ خواهد باخت و رفاه دچار تزلزل خواهد شد.

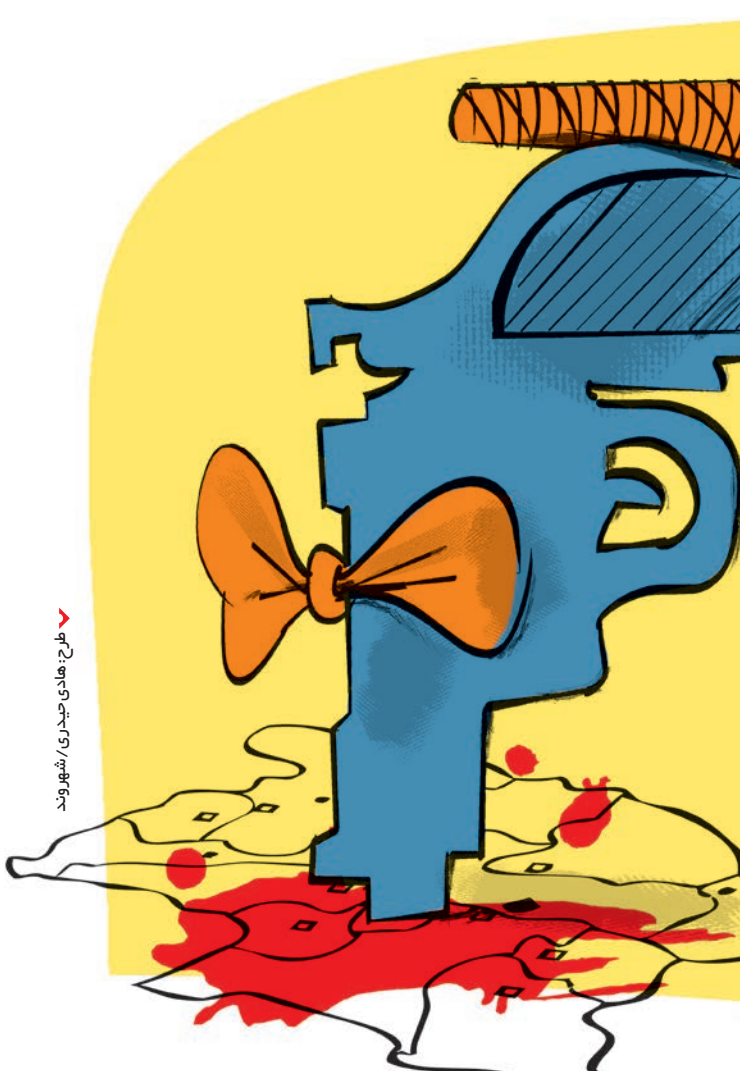
۱۶ فروردین ماه‌سال جاری جنایت خانوادگی در خانواده یک پزشک باز هم تکرار شد. جنایت‌خانه خیابان ایتالیا در منطقه فلسطین بسیاری از خبرخوان‌های صفحات حوادث را در شوک فرو برد. پسر خشمگین خانواده‌ای مرفه در اقدامی جنون آمیز و تنها به خاطر اختلاف بر سر شسکه تلویزیونی با خواهرش او را قربانی جنایتی هولناک کرد و بعد از آن برای پاک کردن ردپایش، پدرش را که تنها شاهد جنایت او بود به قتل رساند. این حادثه که از عجیب‌ترین و وحشتناک‌ترین پرونده‌های سال ۹۴ تا کنون به شمار می‌رود به نوعی نشان‌دهنده این است که گاهی تعریف از مشکلات برای افراد سطح جامعه متفاوت است. هر چند در این پرونده نمی‌توان به درستی نظر کارشناسانه داد اما انگیزه قاتل در این جنایت آن قدر پیش بافته و سلسله است که مسیر تحقیق در بررسی اینگونه جنایت‌ها را به اصطلاح عامه «خوشی زردلش زده» هدایت می‌کند.

بررسی پرونده‌های جنایی در مناطق فقیرنشین
زندگی در فضاهای فرسوده و قدیمی شهر با افسردگی، عصبانیت، هرج و مرج و فقدان آرامش است. این ساکنان خیلی از نقطه‌های مرزی جنوب پایتخت می‌گویند. هر چند در یک زندگی سالم شهری و در محله‌های مختلف سبک زندگی‌ها تفاوت دارد اما بر این اساس تفکیک نوع جرایم جنایی در پایین شهر نیز مانند بررسی‌های کارشناسانه بیشتری است چرا که بسیاری از آنها تحت‌تأثیر عوامل اقتصادی و معیشتی قرار دارند.
سال ۹۲ ساکنان ساختمانی در میدان شوش شاهد جنایتی هولناک در خانه همسایه‌شان بودند. مردی جوان وقتی با همسرش درگیر شد، در اقدامی جنون آمیز دست به کشتار خانواده‌اش زد. همسرش را با چاقو به قتل رساند و دختر ۹ ساله‌اش را از طبقه سوم خانه به بیرون پرتاب کرد. تحقیقات اولیه این پرونده که به شیشه‌های بودن قاتل اشاره داشت، در مراحل حکامه، ناشی از جنون متهم گزارش شد. این در حالی است که چرایی ارتباط دهن جنایت‌ها در محلاتی که شهرت خوبی در باب استعمال و خرید و فروش مواد مخدر دارند، می‌تواند خود موضوع قابل بررسی در پرونده‌های باشد که مواد مخدر نقش اصلی را در پدیده‌های جرم و جنایت ایفا می‌کند.

سال ۹۰ هم نهمگن یک کارخانه وقتی از محل کار به خانه‌شان بازگشت با صحنه یاورکردنی مواجه شد. همسر و ۲ فرزندش را در داخل یک خودروی بنز مدل بال دید که مردی میانسال پشت فرامش نشسته و در حال حرکت به انتهای کوچه بودند. تصوری که یک قتل محام خانوادگی هولناک را رقم زد. این مرد به تصور این که همسر فرزندانش به او خیانت کرده‌اند، نقشه جنایتی عجیب را به اجرا گذاشت. به کمین همسر و فرزندانش در خانه نشست و هرگز به آنها اجازه دفاع نداد. ضربات متعدد چاقو و میله آهنی بر بدن همسر و ۲ فرزندش کالی بود تا او یک شبه با به دنیای جنایتکاران بگردد. این پرونده در حالی در دادسرای جنایی مرموز تحقیق قرار گرفت که مشخص شد، همسر این مرد زنی پاکدامن بوده و جنایت قاتل تنها ناشی از سوء تفاهم و تصور اشتباه بوده است.

فقر فرهنگی و جنایت‌های خانوادگی

سعید خراط‌ها، آسیب‌شناس اجتماعی در خصوص جنایت‌های خانوادگی پایین شهر و بالا شهر به خبرنگار «شهر وند» می‌گوید: «به‌طور کلی جرایم از طبقات اجتماعی تبعیت می‌کنند. اینکه فرد در چه محله‌ای با محیطی زندگی می‌کند، در چه خانواده‌ای است و از نظر اقتصادی در چه شرایطی به سر می‌برد تأثیر زیادی در ارتکاب جرم دارد. از لحاظ نوع دستگیری در افسار مختلف جامعه متفاوت است. آمارها نشان می‌دهد که طبقات پایین‌تر جامعه مشکلات بیشتری را در زندگی‌شان احساس می‌کنند، کم‌تر خدماتی زیادی را در زندگی‌شان احساس می‌کنند، کم‌تر پول‌های زیاد دارند که خشم خود را کنترل کنند. آنها حتی در ک قانون نیز ندارند و با بروز کوچک‌ترین مشکل دست به جنایت خانوادگی می‌زنند. از طرفی پدر و مادرهای آنها نیز تحصیلات لازم را ندارند و سه همین دلیل تربیت و نظارت درستی روی فرزندانشان نخواهند داشت. همین باعث می‌شود که در پایین شهر آمار جنایت‌های خانوادگی بیشتر از بقیه نقاط شهر باشد. اعتقاد، مصرف مشروبات الکلی،



«شهر وند» انگیزه قتل‌های خانوادگی در بالا و پایین پایتخت را بررسی می‌کند

شمال و جنوب جنایت‌های خانوادگی

در دسترس بودن مواد مخدر در محله‌های پایین شهر، فقر فرهنگی کمیوندهای خانوادگی و نداشتن آگاهی از قانون از مهم‌ترین دلایل آمار بالای جنایت در پایین شهر است.»
خراط‌ها به سستی بودن افکار جنوب شهرنشین اشاره می‌کند و می‌گوید: «خیلی از مردم محله‌های جنوب شهر یا حتی می‌توان گفت روستاهای دورافتاده با افکار سنتی رویبرو هستند و از آنجایی که در طبقه اجتماعی پایینی قرار دارند، اعضای خانواده خود را قربانی همین افکار سنتی می‌کنند. به‌عنوان مثال پدری با تصور این که دختر، مادر یا همسرش از تباط نامشروعی با فرد دیگری دارد، این حق را به خود می‌دهد که او را بکشد. این‌گونه افراد بعد از قتل هم از جنایت پشیمان نشده و حتی اگر مجازات هم شوند این مجازات را به جان خریدند و تعصب را یکی از لازم‌های زندگی خود می‌دانند ولی در محله‌های بالای شهر این‌گونه جنایت‌ها کمی متفاوت اتفاق می‌افتد. دانشن مشکل روانی در افرادی که دست به جنایت خانوادگی می‌زنند تنها شباهت بین این دو قشر در ارتکاب جنایت‌های خانوادگی محسوب می‌شود. ولی به‌دلیل اینکه افراد در محله‌های بالای شهر از تحصیلات اجتماعی و رفاه اقتصادی برخوردار هستند، راحت‌تر و بهتر می‌توانند به خود غلبه کنند و از آنجا که نوع جنایت‌ها دوری کنند. به‌عنوان مثال مسأله‌ای به اسم خیانت در نقاط پایین شهر خیلی بزرگ‌تر و وحشتناک‌تر دیده می‌شود و به تبع آن جنایت‌های خانوادگی زیادی از روی تعصب و غیرت رخ می‌دهد. ولی در طبقات بالاتر جامعه افرادی هستند که به دلیل تحصیلات بالا و زندگی بهتر در اجتماع شایر راحت‌تر با این مسأله برخورد کنند و کم‌تر دست به جنایت‌زنند.»

خراط‌ها معتقد است کسانی که در رفاه اقتصادی هستند و دست به جنایت می‌زنند، راحت‌تر می‌توانند مجازات‌فرار کنند و به دلیل موقعیت اجتماعی مناسب‌شان بهتر زودتر می‌توانند خود را هارسازند. به عنوان مثال فردی که دست به جنایت خانوادگی می‌زند، با گرفتن وکیل‌های زیردست و همچنین پرداخت دبه و امکانات دیگر از مجازات‌فرار می‌کند. در صورتی که اگر فردی با شرایط اقتصادی پایین‌تر و نقاط پایین شهر دست به یک جنایت‌زنند، پشتیبان مالی ندارد که از او حمایت کند و خودش نیز قدرت لازم برای فرار از مجازات را نخواهد داشت. بنابراین آمار مجازات‌افراد در طبقه‌های پایین اجتماعی بیشتر از مجازات جنایتکاران شمال‌نشین است. همین موضوع‌ها سبب می‌شود که آمار جنایت در محله‌های پایین شهر بیشتر از شمال شهر نشان داده شود در حالی که شاید آمار جنایت خانوادگی در محله بالای شهر بیشتر باشد. از سوی دیگر تکنه‌ای که می‌توان به

مردسترس بودن مواد مخدر در محله‌های پایین شهر، فقر فرهنگی کمیوندهای خانوادگی و نداشتن آگاهی از قانون از مهم‌ترین دلایل آمار بالای جنایت در پایین شهر است.»
خراط‌ها به سستی بودن افکار جنوب شهرنشین اشاره می‌کند و می‌گوید: «خیلی از مردم محله‌های جنوب شهر یا حتی می‌توان گفت روستاهای دورافتاده با افکار سنتی رویبرو هستند و از آنجایی که در طبقه اجتماعی پایینی قرار دارند، اعضای خانواده خود را قربانی همین افکار سنتی می‌کنند. به‌عنوان مثال پدری با تصور این که دختر، مادر یا همسرش از تباط نامشروعی با فرد دیگری دارد، این حق را به خود می‌دهد که او را بکشد. این‌گونه افراد بعد از قتل هم از جنایت پشیمان نشده و حتی اگر مجازات هم شوند این مجازات را به جان خریدند و تعصب را یکی از لازم‌های زندگی خود می‌دانند ولی در محله‌های بالای شهر این‌گونه جنایت‌ها کمی متفاوت اتفاق می‌افتد. دانشن مشکل روانی در افرادی که دست به جنایت خانوادگی می‌زنند تنها شباهت بین این دو قشر در ارتکاب جنایت‌های خانوادگی محسوب می‌شود. ولی به‌دلیل اینکه افراد در محله‌های بالای شهر از تحصیلات اجتماعی و رفاه اقتصادی برخوردار هستند، راحت‌تر و بهتر می‌توانند به خود غلبه کنند و از آنجا که نوع جنایت‌ها دوری کنند. به‌عنوان مثال مسأله‌ای به اسم خیانت در نقاط پایین شهر خیلی بزرگ‌تر و وحشتناک‌تر دیده می‌شود و به تبع آن جنایت‌های خانوادگی زیادی از روی تعصب و غیرت رخ می‌دهد. ولی در طبقات بالاتر جامعه افرادی هستند که به دلیل تحصیلات بالا و زندگی بهتر در اجتماع شایر راحت‌تر با این مسأله برخورد کنند و کم‌تر دست به جنایت‌زنند.»

خراط‌ها معتقد است کسانی که در رفاه اقتصادی هستند

دست به جنایت می‌زنند، راحت‌تر می‌توانند مجازات‌فرار کنند و به دلیل موقعیت اجتماعی مناسب‌شان بهتر زودتر

می‌توانند خود را هارسازند. به عنوان مثال فردی که دست

به جنایت خانوادگی می‌زند، با گرفتن وکیل‌های زیردست

و همچنین پرداخت دبه و امکانات دیگر از مجازات‌فرار

می‌کند. در صورتی که اگر فردی با شرایط اقتصادی پایین‌تر

و نقاط پایین شهر دست به یک جنایت‌زنند، پشتیبان مالی

ندارد که از او حمایت کند و خودش نیز قدرت لازم برای

فرار از مجازات را نخواهد داشت. بنابراین آمار مجازات‌افراد

در طبقه‌های پایین اجتماعی بیشتر از مجازات جنایتکاران

شمال‌نشین است. همین موضوع‌ها سبب می‌شود که آمار

جنایت در محله‌های پایین شهر بیشتر از شمال شهر نشان

داده شود در حالی که شاید آمار جنایت خانوادگی در محله

بالای شهر بیشتر باشد. از سوی دیگر تکنه‌ای که می‌توان به

نوبت اول



آگهی تجدید مناقصه فراخوان عمومی (دومر حله‌ای)

RKP- 7700149693- KM/SH- E

جرثقیل پشت کامیونی

شرکت پالایش نفت کرمانشاه در نظر دارد یک قلم کال، را با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه مربوطه از تامین‌کنندگان ذیصلاح خریداری نماید.

۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش نفت کرمانشاه واقع در بلوار شهید دکتر بهشتی، روبروی پارک شاهد، اداره بازرگانی، تلفن: ۶۸ ۱۹۷۶ ۳۱-۰۸۳ و فاکس ۳۸۳۶ ۲۳۳۶-۰۸۳

۲- نوع، کمیت و کیفیت کالا: جرثقیل پشت کامیونی، شرح کامل در آدرس اینترنتی www.korc.ir قید شده است.

۳- نوع و مبلغ تضمین: ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا واریز وجه نقد.

۴- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: اداره بازرگانی ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تا تاریخ ۹۴/۲/۱۴

۵- زمان باز گشایی پیشنهاد فنی : ۱۵/۲/۹۴ و زمان باز گشایی پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۹۴/۳/۱۹

۶- شرکت پالایش نفت کرمانشاه در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد، مختار است.

۷- هزینه چاپ آگهی روزنامه بر عهده شرکت برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی

آزیر

مرگ مشکوک مادر باردار در بیمارستان

یک زن باردار که برای تولد چهارمین فرزندش به یکی از بیمارستان‌های مشهد مراجعه کرده بود، جان باخت.

علی حسین‌زاده، همسر این زن در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران، گفت: همسرم ۱۶ فروردین‌ماه در بیمارستان بستری شد. ساعت ۱۵ همان روز کودک متولد و تا ساعت ۱۶ به بخش منتقل شد. حدود ساعت ۱۸ حال همسرم بد شد و به دنبال آن تیم درمانی برای رسیدگی به وضع وی به اتاق آمدند.

پس از گذشت یک ساعت که تیم درمانی در حال انجام اقدامات لازم بودند و پس از حضور دو پزشک متخصص در بیمارستان، اعلام کردند که باید بیمار جراحی شود و دوباره همسرم به اتاق عمل منتقل شد. حدود دو ساعت بعد در بخش «آی.سی.یو» بستری شد پس از انجام عمل به من و اطرافیان اطلاع دادند رحم، قسمتی از تخمدان و دو فیبروم از داخل رحم برداشته شده است.

حسین‌زاده با اشاره به این‌که متأسفانه همسرم دو ساعت پس از بستری شدن در بخش «آی.سی.یو» فوت کرد، اضافه کرد: علت فوت از سوی مسئولان بیمارستان خونریزی داخل رحمی اعلام شده است. حسین‌زاده با بیان این‌که در تمام موارد مراجعه به پزشک متخصص در طول دوران بارداری عنوان می‌شد که همسرم هیچ مشکلی ندارد و به راحتی زایمانش را انجام می‌دهد، مدعی شد: احساس می‌کنم در این موضوع سهل‌انگاری شده است. وی افزود: در حال حاضر پزشکی قانونی برای اطلاع از علت دقیق مرگ این مادر، نمونه‌برداری انجام داده و گفته شده حدود سه ماه این بررسی به طول می‌انجامد. جواز دفن نیز صادر شده است.

خارج از مرز

تنبیه با شلاق به خاطر «پینوکیو!»

پسر ۹ساله چینی به‌دلیل این که داستان پینوکیو را نمی‌دانست توسط مادر خوانده خود با شلاق تنبیه‌شد.

انتشار تصاویر مربوط به این اتفاق در اینترنت، موج خشم مدافعان حقوق کودکان در چین را به‌همراه‌آورد.

این پسر با طناب مخصوص «طناب‌بازی» تنبیه‌شده و آثار میله‌آهنی و لوله‌آب نیز روی بدن کودک دیده می‌شود. پس از این‌که معلمان مدرسه آن پسر در استان نانچینگ از این قضیه مطلع شدند، پلیس را در جریان گذاشتند. مادر خوانده کودک ۳ ساله نام دارد و به اتهام سوءاستفاده از کودک در بازداشت به‌سر می‌برد.

مادر خوانده ۵۰ساله این کودک ۳ سال پیش سرپرستی او را قبول کرد. یکی از اقوام نزدیک او در این اندیشه بود که پسرش را از زندگی روستایی محروم به شهر فرستد تا او بتواند پیشرفت کند. به همین دلیل سرپرستی پسرش را به این زن سپرد. بنا به گزارش‌های رسیده، سایک میله آهنی به گوش او ضربه وارد شده است. همچنین آثار کیودی یا لوله آب روی دست و پای کودک نیز دیده‌می‌شود.

معلمان مدرسه ۶ ماه پیش نیز چنین موردی را با شدت کمتر مشاهده کردند، اما چون فکر نمی‌کنند و کارش را درست و به‌جا می‌دانند، در صورتی که نمی‌توانند دوباره اتفاق بیفتد، آن را گزارش ندادند. ولی این بار معلمان مدرسه از کودک بیشتر پرس‌وجو کردند.

کودک نیز به آنها گفت: زمانی که مادر خوانده‌ام از من درباره داستان پینوکیو سوال کرد و من جواب آنها را نمی‌دانستم، او شروع به ضرب‌وشتم من کرد. از مدرسه با آن زن تماس گرفته شد و او نیز قبول کرده که کمی «سختگیری» کرده است. مدرسه نیز بلافاصله با پلیس نانچینگ تماس گرفت. کودک اکنون نزد پدر و مادر اصلی خود برگشته‌است.